

عکس لحظه اعدام سعید حنایی در زندان مشهد

گفت و گویی خواندنی از یک پرونده قتل عنکبوتی در مشهد را می خوانید.

به گزارش سایت خبری پرسون، ماجرای قتل های سریالی زنان خیابانی که از مرداد سال ۷۹ در مشهد آغاز و تا مرداد سال ۸۰ ادامه یافت همچنان با گذشت ۲۲ سال از این حادثه تلخ بازتاب های گوناگونی در جامعه دارد و تجزیه و تحلیل های متفاوت و گاه تحریف شده ای درباره این پرونده با اغراض مختلف سیاسی و اجتماعی بازنشر می شود.

به تازگی نیز تولید فیلم هایی درباره این ماجرا موجب شده است تا دوباره قتل زنان خیابانی در رسانه ها مطرح شود.

آقای سجادپور این را که حنایی به صحنه جرم بازمی گشت ، تایید می کنید؟

بله! او اولین جسدی را که در جاده فرعی و خاکی خین عرب رها کرده بود در همان اطراف با موتورسیکلت دور می زد تا ببیند بالاخره سرنوشت این جسد چه می شود.

وقتی قاضی و نیروهای انتظامی به محل آمدند او نورافکن را از دست سرباز تشخیص هویت گرفت تا به ماموران کمک کند. البته بعد از دستگیری مدعی بود که پشت سر آمبولانس حمل جسد تا میدان ۱۷ شهریور هم رفته است. البته یک بار هم ادعا کرد درون آمبولانس در کنار جسد نشسته بود. این ها را با غرور و حالت خودنمایی بازگو می کرد.

حتی در سومین صحنه جنایت در خیابان بزرگمهر، نوار زرد رنگ «ورود به صحنه جرم ممنوع» را به دست گرفته و دور درختان و تیرچراغ برق حلقه می زد تا شهروندان مزاحم کار نیروهای انتظامی نشوند.

او در بازرسی از صحنه همین جرم به یکی از فرماندهان ارشد نیروی انتظامی گفت: آن روز که شما در سر صحنه به من گفتید آقا چرا خلاف می آیی، بازگرد! من تازه جسد را انداخته بودم!

او حتی یک بار حدود ساعت ۲۰ آمد و گفت که جسد یک زن را درون کال (رودخانه کنار بولوار خیام) انداخته اند و مردم هم جمع شده اند!...

همان طور که گفتیم سعید حنایی شخصیتی ماجراجویانه داشت و از این که توجه عده زیادی را به این ماجرا جلب کرده بود، لذت می برد.

نظر شما درباره روایت های سینمایی از این قتل ها چیست؟

ببینید، باز هم تاکید می کنم این قتل ها هیچ رنگ و بوی مذهبی نداشت البته من فقط فیلم عنکبوت ساخته آقای ایرج زاد را دیده ام و از عنکبوت مقدس هم تنها بخش های کوتاهی را که در شبکه های اجتماعی وجود دارد نگاه کرده ام ولی به هیچ وجه هدف او پاک سازی جامعه با دید مذهبی نبود و او بعدها راه گریز از اعدام را در این ادعای کذب می دانست.

کارگردان فیلم «عنکبوت» با شما هم تماس گرفت؟

بله! آقای ایرج زاد اتفاقا از اهالی خراسان شمالی هم بود و از من خواست که اطلاعاتی از قتل های عنکبوتی را در اختیارش بگذارم ولی با عذرخواهی و شرمندگی گفتم که قصد دارم خاطراتم را در یک کتاب به نگارش درآورم به همین دلیل فقط یکی دو سوال پرسید مانند این که برخی روایت می کنند سعید حنایی هر صبح در اطراف زندان وکیل آباد می دوید و ورزش می کرد که پاسخ دادم این موضوع دروغ است و

نظر شما درباره این فیلم چیست؟

حقیقت آن است که متأسفانه اطلاعات فیلم در حد همان اخبار رسانه ها و به ویژه یک فیلم مستند بود.

اگر می توانستند آن را مانند «گاندو» یا هوش سیاه، پلیسی &ndash جنایی کنند به نظر شخصی من شاید حرف ها و نکته ها بهتر بیان می شد.

خاطره ای از این قتل ها دارید؟

کشف هر جسد خاطره تلخی بود که در ذهنم باقی مانده است. اما وحشتناک ترین و زجرآورترین خاطره این قتل ها آن است که یکی از آخرین قربانیان

سعید حنایی درون آلودگی در خیابان های اطراف «کشف» به همراه پدر و دو فرزند خردسالش زندگی می کرد.

به خاطر این که ۳ روز قبل این زن جوان به دست حنایی کشته شده بود، پدر پیر او از شدت خماری سر در گریبان برده و کف از دهانش خارج می شد و دو کودک خردسال هم هر کدام گوشه ای از پلاستیک ضخیمی را می خوردند که به عنوان در آلودگی آویزان شده بود! این ماجرا را بارها در یادداشت ها و نکته های روزنامه خراسان تاکید کردم اما...

آیا به جز سعید حنایی افراد دیگری هم به اتهام «قتل های عنکبوتی» دستگیر شدند؟

البته به عنوان مظنون که تعداد زیادی دستگیر شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند اما دو مورد از آن ها با اتهام جدی روبه رو بودند که یکی را در پاسخ به سوالات قبلی مطرح کردم. او فردی به نام رسول بود که پس از قتل یک زن در بولوار امامت مشهد در تهران دستگیر شد.

او را به عنوان یکی از عاملان قتل های عنکبوتی معرفی کردند نفر دوم که خیلی ماجرای جذابی داشت جوانی به نام «محسن» بود که از دکه تلفن عمومی با پلیس تماس گرفت و بیان کرد که عامل قتل های عنکبوتی است به خاطر اهمیت ویژه ای که این قتل ها بعد از درج خبر یازدهمین قتل در روزنامه خراسان پیدا کرده بود بلافاصله کارآگاهان با به کارگیری همه امکانات پلیسی بسیج شدند و او را که کارگر یک شرکت در جاده سیمان (رسالت فعلی) بود دستگیر کردند . آن زمان و در تاریخ بیست و پنجم فروردین سال ۸۰ خبر دستگیری او را با تیتر «مظنون به قتل های عنکبوتی ۱۱ زن در مشهد دستگیر شد» در صفحه حوادث چاپ کردم اما او وقتی فهمید در چه مضمضه بزرگی افتاده است فریاد می زد غلط کردم من فقط می خواستم شهرت کسب کنم! و مطرح شوم! البته با قتل این زنان هم موافق هستم ولی من هیچ گاه حتی یک مورچه را هم نکشته ام!

بالاخره در حالی که کارآگاهان مشغول تحقیق درباره گرایش های فکری یا وابستگی این جوان ۲۲ ساله به گروه های خاص بودند دوازدهمین قتل اتفاق افتاد و آن جوان هم پس از اثبات بی گناهی آزاد شد.

آیا با اعدام عامل این قتل ها همه چیز پایان یافت؟

بالاخره سعید حنایی که تصور نمی کرد روزی تاوان سنگینی برای قتل هایش می پردازد و همچنان خونسردی خود را حفظ می کرد ،در آخرین لحظه وقتی فهمید که همه چیز برای پایان یک جانی فراهم شده است بسیار بر آشفت و در حالی که زبان به دشنام گشوده بود ۲۸ فروردین ۱۳۸۱ به دار مجازات آویخته شد اما این ماجرا پایان همه چیز نبود.

قتل های عنکبوتی مشهد درس های عبرت آموز زیادی داشت که اولین درس آن برای خود پلیس بود که نقاط ضعف و قوت خودش را شناخت و تجزیه و تحلیل کرد.

دومین نکته مهم توجه به حاشیه شهرها و اشتغال زایی برای زنان مطلقه و بدسرپرست و به ویژه حمایت های هنری و کارآموزی برای معتادان بهبود یافته است که متاسفانه باز هم از آن غافل شده ایم و هر روز در زیر پوست این شهر حوادث تکان دهنده ای رخ می دهد که انسان حیرت زده می شود.

موضوع دیگر هم آن است که زنان خیابانی همچنان وجود دارند و خانواده های زیادی متلاشی می شوند اما شکل آن از کنار جاده و خیابان به فضای مجازی تغییر یافته است.

منبع: خراسان